



۲۰۲۰/۰۸/۱۷



صلاح الدین سعیدی

تقصیر از جهالت است!



در پدیده های اجتماعی عوامل و فکتورهای مختلف تأثیر دارند، که بعضی ازین فکتورها و عوامل اساسی و بعضی فرعی میباشند. بعضی ازین عوامل، داخلی و در اختیار ما و بعضی دیگر خارجی و از اختیار ما خارج اند، اما دانستن تمام این عوامل خوب است.

در فهم از دین که منظورم ادیان ابراهیمی است، دین ضرورت خود بشر است نه ضرورت الله تعالی، انسان برای ادای رسالت و انتخاب خویش مسؤل است. با داشتن عقل و در صورت رسیدن رسالت برایش در انتخاب اعتقاد خود مسؤل و در صورت انتخاب راه درست پاداش به دست می آورد.

ادیان آسمانی در وقت و زمان خود ادای رسالت کردند و به مرور زمان و انکشاف جوامع بشری آخرین دین ابراهیمی اسلام است. فهم از اسلام فهم رحمان و رحیم را به جبار و قهار خلاصه کردن و دین رحمت العالمین را انتحار، استشهاده و استعمار ساختن مشکل دین اسلام نیست، مشکل و تقصیر در نادانی ما از اسلام است.

سقوط طیاره و تصادم موتر مشکل سرویس و عدم دقت در ایور و خدمات تخنیکی به کار اندازی این وسایل تمدن اند. اگر به قادر و توانا بودن الله تعالی ایمان داریم که (كُنْ فَيَكُنْ) بگویند و امر کند که، شو! و شود، پس ما کیستیم که شمشیر داعش برداشته و به قتل عام مردم، انفجار و انتحار و استشهاده و کشتن اطفال و کلانها و انفجار بس و ریل و طیاره رسالت دینی را خلاصه کنند و به نام دین اسلام به جنایات بپردازند. آنکه تیغ به گلو میکشد و گردن میرد هم الله اکبر میگوید و آنکه به گردنش تیغ کشیده میشود هم مظلومانه الله اکبر صدا میزند. نقص و تقصیر در عدم فهم از اسلام و جهالت در مورد دین مقدس است.

آنکه یک آیه از قرآن کریم را بدون ذکر آدرس بیاورد و کتاب را که منظور در آیه مکتوب است، با کتاب مجلد و ... مغالطه کند، به صورت غیر دقیق و نادرست ترجمه کند و با جهالت از دین اسلام برای دین اسلام بدون تفکیک ادیان آسمانی به سکولاریزم سفارش کند، چیز دیگری جزء جهالت و نادانی در باره اسلام نیست و نمی باشد. حد اقل چنین تأکید با فهم اماتور از دین اسلام گستاخی است.

آنکه مفهوم دیموکراسی را نمی داند و مدعی دیموکرات بودن است، تقصیر اصلی اش در جهالت اش است. دین اسلام مانند عیسویت دعوت و سفارش به انقیاد نمی کند. دین اسلام ظالم و مظلوم هردو را در آتش میداند. ظالم بخاطر ظلمش و مظلوم بخاطر عدم قیام در برابر ظلم ظالم. و دهها مورد دیگر که تقصیر در جهالت ماست نه از اسلام.

بلی دیموکراسی و نظام دیموکراتیک حاکمیت مردم، برای مردم، توسط مردم و در خدمت ارزشهای مردم در توافق به ارزشهای عام قبول شده، است. و حتی همین ارزشهای عام قبول شده هم موارد سوال برانگیز دارد. بحث اقتصاد بازار آزاد وحشی که عرضه و تقاضا تعیین کننده شوند و یک قرن قبل از جهان نورمال بر بسته و ختم است و آزادی بیان به قانون مهار نشده تلقی شود و مجریان آن تا هنوز به خطای خود پی نمی برند و اگر دیموکرات اندیشیدن تساوی حقوق زن و مرد در تساوی رسالت شود و در هر دو جنس انسانی تساوی رسالت را تأکید کنیم که در بسا موارد میکنند و حقوق هموسکسوال با ازدواج و تساوی حق انتخاب هموسکسوال و هیپرو سکسوال شود، که حقوق اساسی بشر به آن معترف است، ما را ازین آزادی و ازین دیموکراسی تیر. و اگر همان تعریف بالا باشد که من دادم، در این صورت ارزش، اخلاق و روش من منبعث از دین و اعتقاد اسلامی من است و درین صورت همین دیموکراسی جامعه من مطابق تعریف خود شان در چوکات اسلام است، ولی با تأسف تقصیر شان در فهم از دیموکراسی است ولی من مسلمان با تعریف دیموکراسی که من در بالا آوردم، مشکل ندارم. مشکل و تقصیر در عدم فهم شان از دیموکراسی است.

اولین مؤسس حاکمیت اسلام پیامبر اسلام محمد(ص) است

اسلام از خود سیستم حقوقی دارد و این قوانین بدون حاکمیت اسلام چطور تطبیق میشوند. لذا مسلمان، بلی مسلمان گفتم و نه مسیحی و یا کدام دین دیگر آسمانی، برای اسلام سکولاریزم را سفارش کرده نمی تواند. تقصیر، تقصیر عدم فهم، عدم شناخت و جهالت از اسلام است.

تقصیر از جهالت در مورد دین اسلام است اگر حور و غلمان را طالب به معنای امکان بچه بازی در جنت تعبیر کند و زنان محسنات جنتی را فراموش کند و مرد سالار بیاندیشد.

جهالت در باره دین اسلام است که بدون شرط و شروط چهار زن را جواز بداند. چهار زن با دیگر شرایط به حکام متمول وقت هدایت میدهد که دهها زن داشتند و به ایشان رسیدگی نمی کردند و با زور خود، ایشان را بی سرنوشت قرار داده بودند. اسلام آمد و گفت. چهار زن را در صورت شرایط، بگذار و بقیه را از قید نکاح رها کن و دهها دلیل و شروط دیگر.

در یهودیت طلاق زن بدون اجازه ملای شان مجاز نیست ولی در اسلام با مراجعه به محکمه تفریق صورت گرفته میتواند.

تقصیر باز هم در جهالت است.

تقصیر در فهم است اگر من با تعبیر و تفسیر از شعر پایین، امر به انقیاد از متمول بکنم. ما کسانی را که زر اندوزی و ظلم و وطن فروشی کرده اند مال خدا داد نمی توانیم و خدا داد نیست و انقیاد ظالم هم مجاز نیست: با خدا داده گان ستیزه مکن - که خدا داده را خدا داده

باز هم تقصیر در فهم غلط از دین است.

تأکیدات منفی مذکور اگر بدون فهم از اسلام و مسائل اسلامی باشند، انسان مسلمان را گنهگار نموده که باید توبه بکشد و اگر عمدی باشند و با فهم از اسلام باشند و توضیحات من را دانسته به آن پافشاری دارند، مسلمان را از دایره اسلام خارج میکند و باید توبه کند و در صورت عمد و با رسیدن توضیحات باز هم به آن پافشاری دارد، نتایج بس ناگوار فامیلی از لحاظ شرعی تا جدایی از منکوحه اش دارد.

تمدن جهان اسلام که چه چیزها به جهان داده غیر قابل انکار است. علم، فرهنگ، دانش و ساینس زمان از طریق هسپانیه به اروپا آمد و ترجمه شد و تا حال در مراکز علمی اروپا و جهان تدریس و انکشاف داده میشوند. اینکه ما محاط به خشکه ایم و جهان به ابحار دست یافت و صنعت با طبیعت سر سبز مهم شد درین ما چه تغییر وارد کرده می توانیم و درین بابت تقصیر ما چیست؟
نوها ارزش به قرن و سال محاسبه نمی شود و والدین و جنت در زیر اقدام و پا های والدین به مرور قرنها باقی خواهد ماند.

این درست و ضرور است گفته شود و رسانده شود که عوامل خارجی و داخلی بدبختی ما در چه و کجا است و ما چه تقصیرات در بدبختی خود داریم. اما بقیه موارد افراط و تفریط و شاد باش گفتن ها درین عرصه تأسف بار و جهالت از عمق مسائل است.

پنج شش مورد دیگر را نیز میتوانم برجسته سازم، اما برای فعلاً همینقدر.

آنکس که نداند و نداند که نداند

در جهل مرکب ابد الدهر بماند

تقصیر خود را که در مسایل بی خبر و از مسایل جاهلیم باید شناخت و با عدم فهم از مسائل نباید به خیزهای بزرگ، افراط و تفریط رفت که رفتن به آن و خیزهای کلان موجب درد های طاقت فرسا خواهد شد.
و ما علینا الالبلاغ المبین



[برای مطالب بیشتر این نویسنده لطفاً اینجا را کلیک کنید](#)